

گزارش مطبوعات از حامیان مدارس مظفری (1314ه.ق-1324ه.ق) حمید نجار¹

چکیده

مطبوعات از مظاهر مدرنیزاسیون محسوب می‌شوند که به ویژه در عصر مظفری رشد و بالندگی چشم گیری داشتند. این مطبوعات اخبار و گزارش‌های گوناگونی را منتشر می‌کردند که وجوه متفاوتی از ایران این دوره را باز می‌نمایاند. از جمله این اخبار مربوط به مدارس نوینی بود که در دوره مظفرالدین‌شاه قاجار افزایش یافتند. نشریات از کوچکترین تحولات این مدارس و کسانی که آن‌ها را به وجود آوردند اخباری را منتشر کرده‌اند. در نتیجه از این حامیان در روزنامه‌ها اخبار ارزشمندی وجود دارد که اجازه غور درباره آن‌ها و عملکردشان در خصوص مدارس را به پژوهشگران می‌دهد. همچنین اخبار مندرج در نشریات وجوه دیگری از حمایت‌ها را نیز نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر سعی شده تا این وجوه به همراه حامیان مدارس نوین و دسته بندی آن‌ها بررسی شود. واژگان کلیدی: عصر مظفری، مطبوعات، مدارس نوین، حامیان مدارس.

Press report of Mozafaris schools supporters (1896 – 1906)

Hamid najar²

Abstract

Press that is considered as a feature of modernization had remarkable growth and development, particularly in the Mozaffari age. The Mozaffari press published various news which reflect different aspects of this era of time. These news included the ones relating to the new schools that grew increasingly during the Qajarian Mozaffareddin Shah. The changes in these schools and their pioneers were published by detail in the journals. As a result, there are valuable news about the supporters of these schools in the Mozaffari Press which makes it possible for the researchers to ponder about them and their performance in these schools. Besides, the news contained in the publications represent some other aspects of these supporters, too. These aspects of new school supporters and their associated categories will be investigated in this paper.

KEYWORDS: Mozaffari age.press. new schools. school supporters.

1. کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

2. MA of Iranology, Shahid Beheshti university. Email:

najar.hamid62@gmail.com

طرح مساله

در عصر مظفرالدین شاه، حرکتی در راستای نوسازی فرهنگی شروع شد که حاصل آن ساخت مدارس متعدد و انتشار گسترده مطبوعات بود. این مدارس در سراسر کشور ایجاد شده و از یک برنامه به نسبت هماهنگ و منسجم پیروی می‌کردند. هر یک از آن‌ها حامیانی نیز داشتند که بررسی نقش آن‌ها در چگونگی ادامه این حرکت نوسازی از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که بدون حمایت از این حرکت نوسازی در جامعه، بی‌گمان اقدامات صورت گرفته رجال فرهنگ دوست و کسانی که معتقد به لزوم بهبود نظام آموزشی بودند مانند میرزاعلی‌خان امین‌الدوله سرانجامی نمی‌یافت. اما سوال این است که این حامیان را چه کسانی تشکیل می‌دادند؟ آیا تنها رجال و روحانیون شناخته شده صدر مشروطه از این نوسازی آموزشی حمایت می‌کردند یا اقشار دیگری نیز در این پشتیبانی از مدارس سهمی دارند؟ همچنین شیوه‌های حمایتی نیز بخشی از مساله پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد که سعی شده تا به آن پاسخ مناسبی داده شود. گفتنی است این پژوهش با استفاده از مطالعه دوره‌های کامل نشریه‌های تربیت، معارف، کمال، خلاصه الحوادث، حدید، ایران سلطانی، ایران دارالخلافة باهره و روزنامه شاهنشاهی انجام گرفته است که بیشتر یافته‌ها را اخبار نشریه تربیت و معارف در بر می‌گیرد.

مقدمه

سده‌ی سیزدهم هجری قمری را می‌توان سرآغاز حرکت نوین آموزشی ایران به حساب آورد. آنچه در این سده مشاهده می‌شود گذر از آموزش و پرورش سنتی به نظام آموزشی مدرن و البته کمی دقیق‌تر شبه مدرن است. نخستین تلاش‌ها در این راستا با گشایش دارالفنون انجام گرفت. این موسسه آموزشی بیش از آنکه کارکردی به عنوان مدرسه داشته باشد، حالتی شبیه به دانشسرا داشت و شاید به این دلیل بود که نتوانست تأثیر شگرفی در تحول نظام آموزشی ایران بگذارد. یکی از دلایل این ناکارآمدی را می‌توان مشکل مکاتب آن روز دانست، چرا که مکاتب که باید به عنوان پیش درآمد دارالفنون فعالیت می‌کردند و شخص جویای دانش را با علوم اولیه آشنا می‌ساختند، در این امر موفقیت چندانی نداشتند. اما به رغم همه‌ی این مشکلات باز هم باید از دارالفنون به عنوان سرحلقه‌ی تحول نظام آموزشی ایران نام برد. تحولی که پس از ترور ناصرالدین شاه با شتاب بیشتری به حرکت خود ادامه داد. چرا که قتل ناصرالدین شاه در سال 1896/1313 ه.ق و نشستن مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت یک فضای آزاد فرهنگی را به

وجود آورد.³ این فضا انگیزه‌ی بزرگی برای اصلاح نظام آموزشی در ایران ایجاد کرد.⁴ براساس همین انگیزه بود که در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم مدارس سنتی و مکتب‌خانه‌ها آماج حملات و انتقادهای شدید جریان روشنفکران به ویژه فارغ‌التحصیلان دارالفنون و دانشگاه‌های اروپایی واقع گردید. بحثی که علیه این مدارس مطرح می‌شد بیش‌تر متوجه ناتوانی مدارس در تربیت کودکانی آشنا به دنیای نو بود.⁵ به این ترتیب همزمان با ادامه‌ی فعالیت مکتب‌خانه‌ها تلاش خستگی‌ناپذیری برای ارائه‌ی تعلیم و تربیت نوین از سوی پیشگامان آن صورت پذیرفت.⁶ حاصل این تلاش، ایجاد مدرسی با شیوه نوین آموزشی در کشور بود که اخبار آن در نشریات انعکاس یافته است. این اخبار نشان می‌دهد که هر یک از این مدرسه‌ها دارای حامیانی بودند که در صورت فقدان آن‌ها حرکت نوسازی آموزشی دوره مظفری راه به جایی نمی‌برد. بنابراین نقش آن‌ها اگر نه به اندازه مؤسسين و پایه‌گذاران نهضت مدارس نوین بلکه هم‌تراز با آن‌ها اهمیت دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حامیان مدارس نوین را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد.

1. علما و روحانیان

2. مطبوعات و اصحاب آن

3. رجال و درباریان

4. افراد عادی

نگاهی گذرا به این تقسیم‌بندی حکایت از این دارد که تمامی اقدار جامعه در پشتیبانی از مدارس نوین هم‌داستان بودند. اگرچه گاه نقش بخشی از آن‌ها پررنگ‌تر جلوه می‌کرد. اما به هر روی همه در تلاش بودند تا سهمی در پیش‌برد آموزش نوین کشور داشته باشند. به این منظور از روش‌های مختلف نیز استفاده می‌کردند. یکی از این روش‌ها وقف بود که جایگاه خاصی را به نهضت مدارس نوین می‌دهد. در ادامه، خدمات هر یک از این چهار دسته و شیوه‌های حمایتی آن‌ها به بحث و بررسی گذاشته خواهد شد.

3. نمونه آن افزایش تعداد نشریات در این عصر است

4. مونیکا رینگر، آموزش، دین و گفت‌وگو: اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ج اول (تهران: فقتوس 1381)، ص 178.

5. همانجا.

6. علیرضا سمیع آذر، تاریخ تحولات مدارس در ایران (تهران: سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، دفتر

تحقیقات و پژوهش)، ص 176.

واکنش روحانیون و علما در قبال مدارس نوین

علما و روحانیون از جمله حامیان اصلی نهضت مدارس نوین بودند. این طبقه از اجتماع به شیوه های گوناگون سعی می‌کرد تا پشتیبانی خود را از تغییر نظام آموزشی و رواج علوم نوین اعلام کند. حمایت علما و روحانیون از نهضت مدارس نوین چه در تهران و چه سایر نقاط کشور اهمیت بسیار زیادی داشت. با ورود روحانیون، تهمت‌هایی که در خصوص مدارس نوین مطرح بود رنگ باخت. حمایت این طبقه از جامعه آنچنان مهم بود که مردم در مورد نظر آن‌ها پیرامون مدارس نوین درخواست فتوا می‌کردند.⁷ مدیران مدارس همواره خواهان این بودند که علما از مدرسه آن‌ها بازدید به عمل آورند. چنان‌که میرزا حسین طبیب‌زاده مدیر مدرسه کمال، با درج اعلانی در روزنامه خود از علما درخواست کرد تا به صورت سرزده از مدرسه وی بازدید کنند.⁸ در منابر گاه سخنان آن‌ها پیرامون مدارس نوین بود. مانند سخنان ذوالریاستین در صحن حرم احمد بن موسی در خصوص علوم نوین و یا سخنان ملک المتکلمین که زمینه‌های تأسیس مدرسه محمدیه در شهر انزلی را فراهم کرد.

به این ترتیب اهمیت حضور علما در نهضت، خود را نشان می‌داد. علما، خود نیز بر این موضوع وقوف یافته و در نهضت حضور مستقیم یافتند. در ادامه به معرفی چهار تن از معروف ترین و برجسته‌ترین این روحانیون پرداخته خواهد شد.

1. سید محمد طباطبایی

در میان علما، نخست باید به سید محمد طباطبایی اشاره کرد. وی مدرسه‌ای به شیوه نسبتاً نوین را تأسیس کرده بود که اسلام نام داشت. تأسیس این مدرسه از اهمیت خاصی برخوردار بود. چنان‌که ناظم‌الاسلام کرمانی معتقد است پس از تأسیس مدرسه مزبور مردم دانستند که نوآوری های رشدیه در آموزش نوین چیست و هیچ تضادی با اسلام ندارد و دشمنی‌ها با آن کمتر شد.⁹ طباطبایی همواره می‌کوشید تا از دیگر مدارس تهران بازدید کرده و با این کار حمایت خود را از آن‌ها اعلام می‌کرد. وی در ابتدای تأسیس افتتاحیه، بازدیدی از این مدرسه به عمل آورد. حاصل این بازدید؛ نگارش نامه‌ای به مفتاح‌الملک رییس این مدرسه و مدیر روزنامه معارف بود. طباطبایی در این نامه چنین نوشته بود: «در تشریف به مدرسه افتتاحیه، کمال افتخار را تحصیل

7. حدید، س 2، ش 8، 21 جمادی‌الآخر 1324 ه.ق.

8. کمال، س 1، ش 5، ذی‌القعدة 1318 ه.ق.

9. نک: محمد (میرزا) ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج 2 (تهران: نشر آگاه)، ص 363.

نمودم و xxx¹⁰ شدم در تمام عمر به خوشی آن روز، روزی بر داعی نگذشته و هنوز محظوظم. از خداوند خواستارم امثال جناب‌عالی را زیاد کند. الحق وجود شخص جناب‌عالی برای ملت معتنم است. پس از سپاس، کلی از خوش بختی ملت امیدوار شدم و یقین دارم در سایهٔ مرحمت‌عالی حضرت همایونی به وجود جناب‌عالی و سایرین از آقایان غیرتمند که همت خود را صرف تربیت ابناء ملت می‌کند، عنقریب آرزوی چندین سالهٔ داعی و امثال داعی صورت گیرد xxx¹¹ امیدوارم خدمت‌های بزرگ به این مدرسه و سایر مدارس کنم.¹² این نامه نشان می‌دهد که وی خود را از پایه‌گذاران مدارس نوین می‌دانست که سال‌ها در پی ایجاد این نهضت بودند. کمی بعد خبر این بازدید را روزنامهٔ خلاصه الحوادث نیز منتشر کرد و نوشت که طباطبایی در این روز، مبلغی هم به عنوان وجه اعانه به معلمین و متعلمین داده است.¹³ از دیگر نامه‌هایی که طباطبایی با موضوع مدارس نوین به نشریات ارسال کرد مراسله‌ای است که به دفتر روزنامهٔ تربیت فرستاده شده است و تاریخ چاپ آن سال 1317 هـ.ق است. وی در این نامه در خصوص لزوم تغییر نظام آموزشی و اهمیت آن چنین یادآور شده است: «امروز اگر خیری برای ما مقدر شده باشد راه تحصیل مدارس و جراید اسلامی است خاصه جریدهٔ مبارکهٔ تربیت که جریدهٔ آزادش می‌توان گفت.»¹⁴ اما از وی یادداشتی هم در روزنامهٔ مزبور به چاپ رسیده است که شاید در مقایسه با دو نامهٔ قبلی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. چرا که دیدگاه‌های طباطبایی پیرامون مدارس نوین، دروس آن و برخی مباحث دیگر در آن درج شده است. طباطبایی معتقد است غرض از تأسیس مکاتب و مدارس این است که اطفال مسلمین که ودایع رب العالمین‌اند، غیرتمند و با اخلاق، اهل علم و صنعت بار آیند. از چه قسم مدرسه این مقصود حاصل می‌شود، از مدرسه‌ای که مؤسس و رییس آن مسلمان غیور باشد و از فساد عقیده دور. بنابراین به اعتقاد وی نخستین ضرورت در ایجاد مدرسه این بود که مؤسس آن مسلمان باشد. در نتیجه مدرسه‌ای چون اقبال که دولت روس بنیان گذاشته بود، از این دایره خارج می‌شد. وی همچنین بر این باور بود که نظم و ترتیب مدرسه باید اسلامی باشد. در کنار نظم و ترتیب اسلامی، او اهم دروس را نیز

10. ریختگی متن.

11. ریختگی متن.

12. معارف، س 1، ش 9، اول ذی‌الحجه 1316 هـ.ق.

13. خلاصه الحوادث، ش 10، 26 جمادی‌الثانی 1316 هـ.ق.

14. تربیت، س 5، ش 269، 7 جمادی‌الثانی 1320 هـ.ق.

چنین بر می‌شمارد: «طفل لازم است اول زبان وطن و ملت را یعنی فارسی و عربی را بیاموزد، آنگاه السنه خارجی را و در ضمن فارسی و عربی و عقاید و احکام مذهب را و اخلاق شرعیه و آداب اسلام را پس به علوم دیگر از طبیعی و ریاضی و شیمی و طب و سایر بپردازد نیز جغرافی و تاریخ را یاد گیرد.» تاریخ مورد نظر او سیره پیغمبر، تاریخ خلفا و سلاطین اسلام است.¹⁵ به این ترتیب مشاهده می‌شود که طباطبایی، اگر چه از نهضت حمایت می‌کرد، اما مدرسی که در دایره پشتیبانی وی قرار می‌گرفتند آنهایی بودند که شرایط مزبور را داشتند.

2. سید عبدالله بهبهانی

در کنار طباطبایی باید از سید عبدالله بهبهانی یاد کرد. بهبهانی نیز در این نهضت نقش داشت. وی اگر چه به مانند طباطبایی مدرسه نساخت، اما فرزندانش در مدرسه مظفری از مدارس نوین وقت، تحصیل می‌کردند. او نیز همچون طباطبایی به بازدید مدارس می‌رفت. گزارشی که روزنامه معارف منتشر کرده است نشان دهنده بازدید بهبهانی از مدرسه مظفریه است.¹⁶ نکته قابل توجه اینجاست که بهبهانی در مدرسه‌ای فرزندان خود را نام‌نویسی کرده بود که در مظان اتهام بد دینی قرار داشت.¹⁷ این در واقع برای مقابله با اتهام‌های این چنینی بود که از جانب مخالفین آموزش نوین مطرح می‌شد.

3. شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله نوری نیز از دیگر حامیان مدارس نوین بود. از حمایت و پشتیبانی او در نشریات مطالعه شده در پژوهش حاضر، تنها یک مطلب به دست آمده است. آن هم مربوط به یادداشتی است که شیخ نوری به دست خویش در دفتر اعانه نگاشته است و متن آن چنین است: «مخفی نماند بر اخوان مومنین ختم الله لهم بالخیر و السعاده که انصافاً این امری را که اقدام فرمودند خیر جاری بزرگی است، خوب است همه در این خیر امداد نمایند فی‌الحقیقه تجاره منجی از عذاب الیم است فاستبقوا الخیرات و سارعوا الی مغفره من ربکم لینفعکم یوم لا ینفع مال و لا

15. تربیت، س 5، ش 226، رجب 1318 ه.ق.

16. معارف، س 1، ش 2، 15 شعبان 1316 ه.ق.

17. ذبیح‌الله علیزاده در کتاب خلاصه شرح رجال ایران معتقد است که شریف کاشانی مدیر مدرسه مظفریه، ازلی بوده است. برای اطلاع بیشتر رک: ذبیح‌الله علیزاده، خلاصه کتاب شرح رجال ایران، (تهران: زوار، 1384)، ص 1050.

بنون و این احقر انشاء الله تعالی به محض اینکه بی بهره از خیر معظم نباشم مبلغ یک صد قران برای این خیر خدمت خواهم نمود. حرره الاحقر فضل الله النوری.¹⁸

4. میرزای آشتیانی

دیگر روحانی سرشناسی که از مدارس نوین حمایت می کرد میرزا حسن مجتهد آشتیانی بود. همان کسی که به باور ناظم الاسلام کرمانی، فتوای معروف تحریم تنباکو از آن وی است.¹⁹ او نیز مانند سیدین سندین به بازدید مدارس می رفت. از جمله بازدید وی از مدرسه شرف بود که یازدهم رجب 1316 هـ.ق انجام گرفت. در روز دیدار وی از مدرسه، امتحان مختصری نیز از شاگردان به عمل آمد. در پی این امتحان آشتیانی که شاهد رشد دانش آموزان و شاگردان بود انعامی هم بخشید که مقدار آن مشخص نیست.²⁰

همچنین می توان به سید جمال صدرالواعظین اشاره کرد که از حامیان مدارس نوین در اصفهان و تهران محسوب می شد و مکتوباتی در خصوص این نهضت به نشریات فرستاده است.²¹ به این ترتیب مشخص می شود که روحانیت از جمله حامیان اصلی مدارس نوین بودند. حمایت آن ها تنها محدود به دارالخلافه نبود بلکه در سراسر کشور جریان داشت. اما با توجه به قدرت چهار تن نام برده شده می توان گفت حمایت دیگر روحانیون به پیروی از پشتیبانی این چهار تن بوده است.

مطبوعات و حمایت از مدارس

پشتیبانی مطبوعات از مدارس را می توان دارای چند وجه دانست؛ نخست چاپ اخبار مربوط به مدرسه ها در نشریات است که موجب آگاهی عموم از این نهضت و همزمان رشد آن بود. وجه دیگر سرکشی و بازدید مدیران مطبوعاتی از مدارس بود؛ مانند بازدید ادیب الممالک مدیر روزنامه ادب از مدرسه دانش که در تاریخ بیست و پنجم ربیع الثانی 1321 هـ.ق انجام شد. وی حاصل این دیدار را چنین به روزنامه تربیت نوشت: «به تاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الثانی بنده برای سرکشی و دیدن شاگردان محترم مدرسه دانش در آنجا آمده و به دلالت و نمایندگی سرکار آقا

18. معارف، ش 10، 15 ذی الحجه 1316 هـ.ق.

19. نک: تاریخ بیداری ایرانیان، ص 11.

20. خلاصه الحوادث، ش 20، 15 رجب 1316 هـ.ق.

21. معارف، س 2، ش 27، 20 شعبان 1317 هـ.ق.

میرزا عبدالحسین خان ناظم والا تبار مدرسهٔ اجمالاً به تحصیلات طبقات متعلمین رسیدگی نموده از صمیم قلب برایشان تحسین و دعا کرده ترقی و نفوذ مقاصد ایشان را از حق تعالی طلبیدم ... العبد محمد صادق الحسینی الفراهانی القائم مقامی ادیب‌الممالک مدیر جریدهٔ فریدهٔ ادب»²²

نکتهٔ قابل تأمل این است که چنین بازدیدهایی، تنها مختص مدیران جراید داخل کشور نبود. بلکه حتی مدیران مطبوعاتی که خارج از ایران به چاپ می‌رسید، نیز انجام این بازدیدها را از وظایف خود قلمداد کرده و به هنگام ورود به کشور حتماً به دیدن مدارس می‌رفتند. چنان که مدیر روزنامهٔ حکمت سال 1318 هـ.ق در سفری به ایران به بازدید مدرسهٔ خیریه رفت. این دیدار روز سه شنبه بیست و نهم شوال صورت گرفت و ذکاء‌الملک، اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و تنی چند از دیگر رجال هم همراه او بودند. میرزا مهدی‌خان ابتدا به امتحان شاگردان به ویژه در حساب و جغرافیا پرداخت، سپس از صرف و نحو عربی و قرائت قرآن کریم سوالی کرد. او که مدارس اروپا و مصر را دیده بود پس از این آزمون‌ها اعلام کرد که روال کار مدرسه خیریه مانند مدارس اروپا است.²³ میرزا مهدی‌خان دکتر پیش از این نیز خرج مدرسهٔ صنایع را تا ابدالآخر بر عهده گرفته بود. وی با درج اختاری در روزنامهٔ خود اعلام کرد: «مدیر روزنامهٔ حکمت در مصر پس از باز شدن مدرسهٔ صنایع مذکوره در طهران تا زنده است جمیع اوراق و دفاتر و نقشه و کتاب آن مدرسه را با کاغذ و اجرت طبع و اجرت روانه کردن از مصر تا طهران را بر عهده دارد که سالیانه از عهدهٔ عهد خود بیرون آمده لوازم مذکور را تبرعاً به انجمن معارف به نام مدرسهٔ مذکوره تسلیم خواهد کرد.»²⁴ مدیران مطبوعاتی گاه نیز جراید خود را به صورت رایگان به مدارس ارسال می‌کردند. حسین طبیب‌زاده، مدیر روزنامهٔ کمال از جملهٔ این افراد بود. این اقدام وی در اعلانی با این شرح در روزنامه هم به چاپ رسید: «از این به بعد [] به عموم مدارس جدید التأسیس ایران، جریدهٔ کمال، مجاناً داده خواهد شد؛ مشروط بر این که آدرس و عنوانات را خودشان مرحمت نمایند امید که این تحفه ناچیز در خدمت مؤسسين محترم مقبول افتد.»²⁵

22. تربیت، س 6، ش 289، 17 جمادی‌الثانی 1321 هـ.ق.

23. تربیت، س 4، ش 222، 10 شوال 1322 هـ.ق.

24. معارف، ش 17، غره ربیع 1317 هـ.ق.

25. کمال، س 1، ش 12، غره ربیع الاول 1318 هـ.ق.

روزنامه تربیت نیز اگر چه مانند کمال، دست به ارسال نشریات خود نزد، اما زمینه آن را فراهم کرد. فروغی توانسته بود سال 1323هـ.ق یکی از اعیان دارالخلافه را تشویق به آبونه شدن و فرستادن روزنامه به مدارس نماید. او مشهدی محمد کاظم آقا تاجر تبریزی بود که به گفته تربیت، با هدف فراگیری علوم نوین توسط شاگردان مدارس آن هم به طور رایگان و یافتن مهارت در دانش زبان فارسی و سبک انشا و تحریر و آشنایی با سیاست و اخبار روز، روزنامه‌ها را به مدارس ارسال کرد. همین روزنامه، سال بعد نیز با انتشار خبر اقدام این تاجر، بار دیگر موجب تکرار آن توسط همان فرد شد. به این ترتیب از شماره چهار صد و شانزده تربیت چهل نمره [عدد] برای مدرسه اسلام و ده نمره برای مدبریه ارسال شد. همچنین قرار شد تا هفتاد و پنج نمره هم به صلاح‌دید علاءالملک وزیر علوم و معارف، میان مدارس مختلف تقسیم شود. وزیر نیز چنین مقرر کرد که مدرسه علمیه ده نمره، ادب هفت نمره، مظفریه شش نمره، تربیت هفت نمره، سادات شش نمره، کمالیه پنج نمره، اقدسیه پنج نمره، دانش چهار و مکتب چهار نمره از روزنامه را دریافت کنند.

در کنار موارد یاد شده مطبوعات سعی می‌کردند تا از راه‌های گوناگون فعالیت مدارس را وسعت و عمق بیشتری بدهند. به این منظور گاه اخبار مدارس سایر کشورها را نیز منتشر می‌کردند تا بتوانند دربار و اقدار مختلف اجتماع را به حمایت از مدارس و ایجاد مدارس جدید تشویق و تحریض کنند. در همین خصوص می‌توان به گزارش‌های روزنامه معارف و حدید در مورد وضعیت مدارس در پاکستان، عثمانی، هند و سایر نقاط اشاره کرد. به‌عنوان نمونه، مفتاح الملک در خبری اوضاع مدارس نسوان در عثمانی را به نقل از روزنامه اطلاع این‌گونه مطرح کرد که هم اکنون شانزده باب مدرسه علمی و دو باب مدرسه صنعتی برای نسوان در اسلامبول تأسیس شده است.²⁶ همین روزنامه پیش از این با انتشار گزارشی به نقل از روزنامه حکمت، پیرامون مدارس پسرانه عثمانی چنین نوشته بود: «در ممالک عثمانی که همچون ما مسلمند چند هزار مدرسه ابتدایی و تجهیزی در مدت ده سال باز شده که مصارف این‌ها همه از طرف دولت است و هزار و دویست مدرسه هم از طرف ملت باز شده که مدارس ملت، در انتظام و ترقیات، لاف برابر [ی] با مدارس دولت می‌زنند. بنیادکنندگان مدارس ملت هم هر سال به حسب اعلانات خود معدلاً پولی پنج پوله منفعت برمی‌دارند.»²⁷ سپس پیش‌بینی کرد که این وضعیت مطلوب به

26. معارف، س 2، ش 34، غره ذی القعدة 1317 هـ.ق.

27. همان، س 1، ش 7، اول ذی القعدة 1316 هـ.ق.

زودی در ایران هم به وجود خواهد آمد.²⁸ مطبوعات همچنین برای مقابله با برخی حواشی پیرامون مدارس مانند تهمت سوء استفاده‌های مالی مدیران از مدرسه‌ها، حساب دخل و خرج آن‌ها را نیز چاپ می‌کردند تا عموم مردم از اوضاع مالی اطلاع کامل به دست آورند و برخی به دادن اعانه تشویق شوند. بنابراین چاپ اعانات دریافتی مدارس و نام اعانه دهنده نیز از دیگر کارکردهای مطبوعات در حمایت از نهضت مدارس نوین بود. از سویی مدیران مطبوعاتی که گاه خود در مدرسه ای صاحب‌منصب بودند با انتشار این صورت دخل و خرج در واقع پاسخ تهمت‌ها را نیز می‌دادند. نمونه بارز آن جنگ قلمی مفتاح‌الملک با مؤیدالاسلام مدیر جبل‌المتین کلکته، بر سر مخارج مدارس افتتاحیه و دانش است. نخست جبل‌المتین با انتشار مقاله‌ای بدون نام با امضای روزنامه جبل‌المتین، مفتاح‌الملک را به اختلاس متهم کرد که وی با انتشار مکتوبی با عنوان معارف پاسخ این اتهام را داد.²⁹ اما کار بدینجا خاتمه نیافت و این جنگ قلمی بازم ادامه یافت تا آنجا که سرانجام به استعفای مدیر روزنامه معارف و مدرسه افتتاحیه یعنی محمود مفتاح‌الملک در روز یکشنبه غره ذی‌الحجه 1318 هجق منجر شد.³⁰ همچنین باید از اقدام حسین طبیب‌زاده مدیر مدرسه کمال در انتشار صورت دخل و خرج آن مدرسه یاد کرد. به این صورت می‌توان گفت مطبوعات نه تنها حامی مدارس بودند بلکه ارتباط تنگاتنگی با آن داشتند. چنان‌که بسیاری از اصحاب مطبوعات در مدارس از حضوری پرنرنگ برخوردار بودند. نگاهی به جدول زیر که نشان دهنده رشد مطبوعات ارگان مدارس است این پیوستگی را به خوبی بیان می‌دارد.

جدول شماره 1: پیوستگی روزنامه‌ها و مدارس نوین در میانه سال‌های 1314 - 1324 هجق

ردیف	نام نشریه	رویکرد نسبت نهضت مدارس نوین	منصب در مدارس
1	تربیت	انتشار دهنده و از نخستین جرایدی که توجه جدی به ایجاد مدارس نوین داشت.	مدیر آن ذکاءالملک از معلمان مدرسه سیاسی بود.
2	معارف	درج اخبار مدارس و شرح اعانات دریافتی و ارسالی مدارس	مدیر آن مفتاح‌الملک مدیر مدارس افتتاحیه و دانش بود.
3	کمال	روزنامه ارگان مدرسه کمال و منتشر کننده اخبار مدارس آذربایجان و دیگر نقاط	مدیر آن حسین طبیب‌زاده مؤسس مدرسه کمال بود.

28. همان

29. معارف، س 3، ش 64، غره ذی‌الحجه الحرام 1318 هجق

30. معارف، س 3، ش 71، 15 شوال 1318 هجق

4	ادب	از دیگر نشریات طرفدار مدارس نوین که توسط میرزا صادق خان ادیب‌الممالک فراهانی به چاپ می‌رسید.	مدیر روزنامهٔ ادب، رییس مدرسهٔ لقمائیة تبریز و نائب وزارت علوم و معارف بود.
5	معرفت	روزنامهٔ ارگان مدرسهٔ معرفت	مدیر آن عبدالله جهانشاهی مؤسس مدرسهٔ معرفت بود.
6	گنجینه فنون	از منتشر کنندگان اخبار علوم جدید	مدیر آن محمد علی تربیت از معلمین مدرسهٔ لقمائیة بود.
7	مکتب	ارگان مکتب میرزا حسن رشديه	مدیر آن اولین بنیان‌گذار مدارس نوین در ایران بود.
8	دبستان	ارگان دبستان پرورش	مدیر آن میرزا رضا، مؤسس دبستان پرورش در تبریز بود.

رویکرد حمایتی دربار نسبت به مدارس نوین

منظور از دربار در این قسمت، شاه، ولیعهد، دیگر فرزندان وی و صدراعظم است که با حمایت های گاه و بی‌گاه خود، موجب رشد نهضت مدارس نوین شدند. نخست مظفرالدین شاه که هنگام نشستن بر تخت سلطنت، یک فضای باز فرهنگی را به وجود آورد. نمونهٔ این فضای باز، تعدد نشریات بود. وی پس از ورودش به دارالخلافه، میرزا علی خان امین‌الدوله را به صدر اعظمی برگزید که به حق یکی از حامیان بسیار مهم مدارس نوین بود. مظفرالدین شاه با این اقدام، فرهنگ دوستان و روشنفکران را مجال فعالیت بخشید و موجب شد تا اقداماتی که در راستای جبران عقب‌ماندگی ایران از زمان عباس میرزا شروع شده بود، بار دیگر حرکتی با شتاب پیدا کند. یکی از مظاهر این حرکت، ساخت و ایجاد مدارس نوین بود که باعث آشنایی با علوم روز می‌شد. اهمیت آن چنین بود که عده‌ای راه به افراط برده و مدعی شدند که تنها راه جبران عقب‌ماندگی‌ها ایجاد مدرسه است.

گزارش‌های موجود در روزنامهٔ تربیت نشان می‌دهد که نخست بانی این «بنای خیر» مظفرالدین شاه قاجار بوده است. چنان که در یکی از گزارش‌ها تاکید شده است که: «اول بانی

این بنای خیر از قراری که محقق و معلوم شده ذات کامل الصفات اقدس همایونی است.³¹ و اوست که به وزیر علوم وقت، نیرالملک، دستور تهیه نقشه مدرسه‌ای را می‌دهد.³²

در کنار چنین اقدامی او گاه فرامینی در حمایت از مدارس صادر می‌کرد. چنان که سال 1318 هـ.ق به مشیرالدوله دستور داد تا از غره محرم مبلغ 3000 هزار تومان به صورت نقد به مدارس پرداخت شود.³³ شاه علاوه بر چنین حمایتی گاه دیدارهایی با دانش‌آموزان و معلمان ترتیب می‌داد. از جمله روز 17 محرم 1317 هـ.ق شاگردان و معلمان مدارس را به دربار احضار کرد که حکیم‌الملک حکیم‌باشی مخصوص به طریق نیرالملک انجمن را مطلع کرد. در پی این اطلاع معلمان و شاگردان مدارس رشديه، سادات، علمیه، ابتدائیه، شرف، افتتاحیه، مظفریه، خیریه، ادب و دانش به دربار عزیمت کردند. روزنامه معارف، جمع شاگردان را هزار و دویست نفر نوشته است. به این ترتیب که از مدرسه سادات که تنها یک‌ماه از افتتاح آن می‌گذشت، پنجاه نفر، مدرسه رشديه با سابقه هجده ماهه، یک‌صد و پنجاه نفر؛ علمیه به ریاست مخیرالسلطنه و سابقه چهارده ماه یک‌صد و پنجاه نفر، ابتدائیه یک‌صد نفر، مدرسه شرف دویست و هشتاد نفر، افتتاحیه سیصد و پنجاه نفر، مظفریه یک‌صد و پنجاه نفر، خیریه سی نفر، دانش و ادب هر کدام چهل نفر شرکت داشتند. مظفرالدین شاه از آن‌ها سان دید و حتی سئوالاتی پرسید. کودکی شش ساله به نام اسدالله خان فرزند علی اکبر معززالملک شاگرد مدرسه افتتاحیه از کسانی بود که به معرض امتحان درآمد و به سبب رضایت شاه ده تومان پاداش گرفت. در پایان این دیدار، شاه یک عصای مرصع به نیرالملک و هزار تومان هم به انجمن معارف پاداش داد.³⁴ دیدار از مدارس برای شاه نیز اهمیت داشت تا آنجا که او وعده دیدار از مدارس را می‌داد مانند دیدار از مدرسه نسوان در بادکوبه.³⁵ شاه می‌کوشید تا از صنایع داخلی مانند پارچه ایرانی حمایت کند به طوری که دسته‌بافته شاگردان دانش را پذیرفت.³⁶ حمایت‌های شاه محدود به دارالخلافه نبود حتی

31. تربیت، س 1، ش 39، 11 ربیع الثانی 1315.

32. همان.

33. همان، س 5، ش 224، 21 ذی‌الحجه 1318 هـ.ق.

34. معارف، س 1، ش 14، 15 صفر 1317 هـ.ق.

35. تربیت، س 5، ش 271، 6 رجب 1320 ق.

36. همان، س 7، ش 336، 7 شعبان 1322 هـ.ق.

مدرسه‌ای چون کمال، از پشتیبانی وی برخوردار بود. مظفرالدین شاه هنگام مراجعت از سفر نخست به فرنگ، به این مدرسه پنجاه تومان اعانه داد.³⁷

از دیگر شیوه‌های حمایت مظفرالدین شاه از مدارس نوین، ارسال کتاب‌هایی بود که در دارالترجمه دولتی، ترجمه می‌شد. از جمله کتابی با موضوع سیاحت در آفریقا بود که 200 مجلد آن به دستور وی و تحت نظر اعتمادالسلطنه وزیر وقت انطباعات به وزارت علوم و معارف ارسال شد. این وزارت‌خانه، کتاب را میان مدارس تقسیم کرد. به صورتی که مدرسه سادات 10 جلد، مدرسه رشديه 20 جلد، مدارس علمیه و ابتدائیه 30 جلد، شرف 40 جلد، افتتاحیه 40 جلد، مظفریه 20 جلد و مدارس خیریه، دانش، ادب و قدسیه هر یک ده جلد دریافت کردند.³⁸ ولیعهد یعنی محمدعلی میرزا نیز به تبعیت از پدر، از مدارس نوین و گسترش آن‌ها را حمایت می‌کرد. به این منظور به مدارس مختلف اعانه و هدیه می‌داد. این رفتار او منحصر به دارالسلطنه نبود بلکه مشمول مدارس نواحی مختلف می‌شد. مانند مدرسه همایونی زنجان که محمدعلی میرزا هنگام عبور از آن شهر، مبلغ پنجاه تومان به مدرسه مزبور کمک کرد.³⁹

صدراعظم از دیگر اجزای دربار بود که مدارس نوین را حمایت می‌کرد. تا وقتی امین‌الدوله بر سر کار بود صدراعظم، مهم‌ترین پشتیبان نهضت به حساب می‌آمد. اما آنگاه که اتابک سر کار آمد حمایت‌ها به دیدارهای گاه و بی‌گاه با معلمین و متعلمین مدارس محدود شد. هنگامی که او همراه شاه از سفر اول به اروپا بازگشت به دستور مفتاح‌الملک، شاگردان دو مدرسه افتتاحیه و دانش به دیدار صدراعظم رفتند. اتابک در پایان این دیدار خطابه‌ای تقریر کرد و از ره‌آورد سفر به اروپا برای مدارس چنین سخن گفت: «از این سفر فرنگستان هم از برای شما دو سوغات آورده‌ام یکی کتب و نقشه‌های لازمه و همه قسم اسباب کار و لوازم تحصیلات که برای شما خواهم فرستاد و سوغات دیگر که کمال اهمیت را دارد این است که بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایون شاهنشاه معارف پرور روحنا فداه، از این سفر با این عقیده مراجعت نمودند که بیش از پیش در تربیت و ترقی عموم عزم جزم کنند.»⁴⁰ باید افزود در هیچ یک از این دیدارها صدراعظم به دیدار

37. کمال، س 1، ش 22، 20 رجب سال 1318 هـ.ق.

38. معارف، ش 22، 15 جمادی الثانی 1317 هـ.ق.

39. تربیت، س 8، ش 388، 3 شوال 1323 هـ.ق.

40. معارف، س 3، ش 62، 10 شعبان 1318 هـ.ق.

نمی‌رفت بلکه هم‌پایه شاه، این دانش‌آموزان بودند که در سرای وی جمع می‌شدند.⁴¹ این در حالی بود که سالارالدوله فرزند مظفرالدین شاه، خود به دیدار مدارس می‌رفت.⁴² وزیر دربار هم گاه به دیدار مدارس می‌رفت. از جمله بازدیدی بود که وی از مدرسه شرف به عمل آورد. در این دیدار از هر طبقه شاگرد، چند نفر برگزیده شدند و میزان توانایی و پیشرفت آن‌ها سنجیده شد که مورد قبول وزیر دربار بود. به همین دلیل فی المجلس یک‌صد و پنجاه تومان به همراه یک دست لباس تابستانی با کفش و کلاه به هر کدام بخشید. در همان مجلس پارچه لازم، برای این کار فراهم و لباس‌ها تحویل داده شد. همچنین وی متعهد شد تا زمینی به وسعت پنج هزار ذرع خریداری و مخارج ساخت یک باب مدرسه را پرداخت نماید تا شاگردان شرف به آنجا انتقال یابند.⁴³

بی‌مناسبت نیست اگر در همین‌جا به کمک‌های سایر اجزای دربار هم به مدارس نوین اشاره شود. این بخش از دربار را بیشتر، وزیران تشکیل می‌دهند. آن‌ها هم‌راستای دربار در حمایت از مدارس جدیدی که در تهران و شهرستان‌ها تأسیس شده بود، عمل می‌کردند. بخشی از کمک‌های آن اعانه بود و بخشی دیگر قوانینی که با هدف پشتیبانی از این مدرسه‌ها وضع می‌شد. مثال آن فرمانی است که سال 1317 هـ.ق وزارت نظمیه صادر کرد. این وزارت‌خانه در هجدهم ذی‌الحجه این سال و در مجلس تعیین نرخ، قیمت گوشت را چارکی چهار عباسی تعیین کرد اما دو روز بعد اعلام شد که قصاب‌های دارالخلافه گوشت را به قیمت نهصد دینار فروخته اند. وزیر نظمیه هم حکم داد ما به تفاوت آن که 140 تومان بود پس گرفته و به انجمن معارف داده شود تا به خرج مدارس برسد. این امر انجام شد و در مجلسی دیگر قبض رسید این مبلغ از انجمن و به مهر وزارت علوم گرفته شد.⁴⁴

همچنین می‌توان به اقدام همین وزارت‌خانه در سال 1321 هـ.ق با رویکرد حمایت از مدارس جدید هم اشاره کرد. در این زمان، زنی بلاوارث و بدون وصیت در دارالخلافه فوت کرد. سردار افخم وزیر نظمیه، این موضوع را با ممتحن‌الدوله حکمران تهران در میان گذاشت. حکمران دارالخلافه دستور داد تا ابتدا معلوم شود آیا زن طلبکاری دارد یا خیر که اگر داشت و

41. ایران دارالخلافه باهره، س 58، ش 16، 28 شعبان 1323 هـ.ق.

42. همان، ش 22، 28 شعبان 1323 هـ.ق.

43. تربیت، س 5، ش 227، 4 صفر 1319 هـ.ق.

44. معارف، س 1، ش 11، غره محرم الحرام 1317 هـ.ق.

ثابت کرد مال او پرداخت شود و در غیر این صورت اموال به مدرسه سادات بخشیده شود. وزارت نظمی هم مطابق امر عمل کرد و بعد از کسب اجازه از حجج اسلام و رد مال، باقیمانده را به مدرسه سادات بخشید.⁴⁵

رجال و مدارس نوین

بخشی دیگر از حامیان مدارس نوین را رجال کشوری، لشگری و فرهنگی تشکیل می دادند. چه اگر حمایت آن‌ها نبود شاید نهضت مدارس نوین هم به سر منزل مقصود که رشد آگاهی اجتماعی بود نمی رسید. بنابراین از همان نخستین روزهای تشکیل مدارس نوین، پشتیبانی رجال، خود را نشان داد. این حمایت هم منحصر به دارالخلافه و یا شهرهای بزرگ نبود بلکه در هر نقطه‌ای که مدرسه نوینی پایه‌گذاری شد، پشتیبانی این افراد نیز به اشکال متفاوت در کنارش وجود داشت. در ادامه، بیشتر به این روش‌ها پرداخته خواهد شد. نخستین روش، پرداخت پول بود که به عنوان اعانه شناخته می‌شود. بخشی از این پول به عنوان اعانه موردی و برخی در قالب اعانه استمراری داده می‌شد. بررسی اعانه‌های پرداخت شده، نشان می‌دهد گاه اعانات به نام یک مدرسه خاص داده شده اما در بیشتر مواقع به انجمن معارف ارسال می‌شد تا این انجمن بتواند هزینه مدارس نوین را تأمین کند. همچنین اعانه‌ها، گاه سود سهام یک شرکت بود که به مدارس اختصاص می‌یافت. در جدول زیر گزیده‌ای از اعانه‌های استمراری و موردی آمده است.

جدول شماره 2: گزیده‌ای از اعانه دهندگان به مدارس نوین

ردیف	نام اعانه دهنده	میزان اعانه	توضیحات
1	معین التجار بوشهر	20 تومن	اعانه به مدرسه افتتاحیه
2	علاءالدوله حکمران مازندران	500 ت	از سهام شرکت قند
3	احتشام السلطنه والی کردستان	100 ت	
4	سعدالمالک	30 ت	

اعانه استمراری	10 ت	میرزا فضل‌الله خان میر پنجه رییس فوج افشار نظمیه و نایب اول وزارت پولیس و احتساب استمراری سالیانه	5
	200 ت	نظام‌الملک فرمانفرمای فارس	6
	200 ت	معز‌الملک مدیر گمرکات آذربایجان و گیلان	7
	200 ت	حاجی علی قلی خان بختیاری امیر تومان	8
	200 ت	معین‌التجار بوشهر	9
	150 ت	نصرالسلطنه حکمران گیلان	10
	100 ت	علاء‌الدوله حکمران مازندران	11
	100 ت	عمیدالسلطنه امیر تومان	12
	100 ت	سهم‌الملک امیر تومان	13
	50 ت	ناظم‌الدوله حکمران دارالخلافه	14
	50 ت	حاجی مشیر لشگر	15
	50 ت	ممتحن‌الدوله	16
	50 ت	مشار‌الدوله	17
	50 ت	مدبر‌الدوله نایب اول وزارت خارجه	18
	30 ت	سهم‌الملک حکمران یزد	19
	30 ت	میرزا حسن خان شوکت منشی اول سفارت کبرای عثمانی	20
	30 ت	مشارالسلطنه	21
	30 ت	ممتحن‌السلطنه کارپرداز حاجی ترخان	22
	30 ت	سعد‌الممالک	23
	20 ت	مکرم‌السلطنه	24
	20 ت	مستشار‌الممالک	25
	10 ت	معتصم‌الملک نایب اول وزارت خارجه	26
	50 ت	مخبرالسلطنه	27
	10 ت	آصف‌الحکما	28
8750 تومان			جمع کل

در مقابل این‌گونه کمک‌ها، افرادی به شیوه‌های دیگر، در پشتیبانی از نهضت مدارس نوین عمل کردند. مانند تقی‌اف بادکوبه‌ای که در ادامه معرفی خواهد شد. همچنین باید از ارفع‌الدوله نام برد که از پایه‌گذاران جلب حمایت ایرانیان ساکن نقاط دیگر، از نهضت مدارس نوین بود.

1. تقی‌اف بادکوبه‌ای

در خصوص زندگی او، اطلاعات چندانی در دست نیست و منابع اشاراتی کوتاه در این باب داشته‌اند. بهترین توضیحات از زندگی بادکوبه‌ای را می‌توان در روزنامه تربیت مشاهده کرد که ضمن درج پاورقی در چند شماره به چاپ رسید. چنان‌که در این شماره‌ها درج شده است حاج زین‌العابدین تقی‌اف بادکوبه در این شهر به سال 1256هـ.ق / 1838م به دنیا آمد. پدرش تقی نام داشت و به رسم سکنه بلاد روس، او را زین‌العابدین تقی‌اف خواندند. پدر وی در بادکوبه از صنعت کفش‌دوزی کسب معاش می‌کرد. نام او در کتاب سرانجام آمده است. در سن ده سالگی به اصرار خود شاگرد بنا شد. پس از چندی به عنوان یک معمار مجرب شناخته شد. همزمان با دادن نخستین ساختمان به او قحطی و بلا در بادکوبه شایع شد. تقی‌اف چهار انبار گندم و جو آماده کرد و روزانه میان نیازمندان تقسیم می‌کرد.

این دوره از زندگی تقی‌اف بادکوبه در سال 1291هـ.ق به سر رسید. چون در این زمان، نفت در بادکوبه استخراج شده بود وی نیز به فکر استخراج نفت افتاد. نخست با چند نفر شریک شد اما با گذشت زمان، نیافتن نفت شرکای وی را دلسرد کرد. او سهم آن‌ها را خرید. کاوش‌های حاجی‌زین‌العابدین سرانجام موجب کشف چاه نفتی در منطقه خارا شکاف شد. این اکتشاف باعث شد تا وی به سرعت تبدیل به یکی از ثروتمندترین رجال در روسیه شود. از این زمان دوره سوم زندگی تقی‌اف آغاز می‌شود. وی پس از دستیابی به نفت، مدرسه‌ای برای ایتمام بنا کرد. این مدرسه 20 شاگرد از ایتمام را در خود جای داده بود و تمامی مخارج آن‌ها بر عهده تقی‌اف بود که مبلغی معادل چهار هزار تومان می‌شد. تا زمان فارغ‌التحصیلی شاگردان، نزدیک به 60 هزار منات معادل سی هزار تومان خرج شد.

او همچنین نظارت بر چهار مدرسه از مدارس آن سامان را از دولت روس درخواست کرد. موافقت شد تا با پرداخت سالی دو هزار منات به کارگزاران دولت نظارت بر آن مدرسه‌ها به او واگذار شود. در ادامه در روستای مرکان که سه فرسنگی شهر باکو بود نیز، مدرسه‌ای تأسیس کرد که پنجاه شاگرد داشت. این شاگردان علاوه بر خط و سواد و زبان روسی، علم فلاحت را هم آموزش می‌دیدند. تا زمان اتمام تحصیل این پنجاه نفر تقی‌اف، سی و سه هزار منات خرج

کرد. در همین دوره بود که او یک مدرسه دخترانه افتتاح کرد. مدت تحصیل دختران در آنجا چهار سال بود که سه سال آن به خواندن دروس دینی و آموزش هنرهای زنانه می‌گذشت و یک سال نیز به فراگیری زبان روسی اختصاص داشت. بنای مدرسه دختران، با تاج‌گذاری نیکلای دوم امپراتور روس همزمان شد به همین جهت تقی‌اف نام این آموزگارخانه را به نام امپراتور روس الکساندر فیودورونا⁴⁶ نواده ملکه انگلیس نام نهاد. بیست دختر در آن تحصیل می‌کردند که مخارج آن‌ها تا زمان پایان تحصیل هشت هزار منات شد که تقی‌اف پرداخت. پس از فارغ التحصیلی این تعداد، بیست دانش‌آموز دیگر به مدرسه وارد می‌شدند. مظفرالدین شاه، در راه بازگشت از سفر دوم خود به فرنگ از این مدرسه بازدید کرده بود.

تقی‌اف پس از جمع‌آوری ثروت و مکنت از استخراج نفت بخشی از چاه‌ها را فروخت و به فکر تأسیس چند کارخانه نساجی به شیوه نوین افتاد. در ابتدا با مشکلاتی مواجه شد اما موافقت امپراتوری روس با این خیال تقی‌اف موجب شد تا وی سال 1315 هـ.ق ساخت این کارخانه‌ها را آغاز کند. فعالیت آن‌ها به شکلی بود که سال 1322 هـ.ق پنجاه هزار نفر کارگر در آن مشغول به کار بودند.

بخشی دیگر از فعالیت‌های فرهنگی تقی‌اف

تأسیس مدارس و کمک به آن‌ها، تنها بخشی از فعالیت‌های فرهنگی تقی‌اف را شامل می‌شود. وی پس از راه‌اندازی مدارس دختران، یک سالن تئاتر هم در باکو به وجود آورد. تقی‌اف همچنین با خریدن اداره روزنامه کاسبی به قیمت 57 هزار منات، به عالم مطبوعات هم ورود پیدا کرد. او در چاپ کتاب‌ها و رساله‌های تاریخ مقدس و رساله منع مسکرات، تألیف آخوندزاده، کتاب میرزا الیاس بیگ، در مکالمه به چهار زبان فارسی، روسی، عربی و ترکی، کتابی از سلطان مجید غنی‌اف در تفسیر، کتاب آقا سید عظیم شیروانی مشتمل بر اشعاری در موعظه و نصیحت، اثر نریمان بیگ نریمان‌اف در شرح حال نادرشاه افشار و کتاب اسماعیل بیگ در هیئت و جغرافیا، نزدیک به هشت هزار منات کمک مالی کرد و کتاب‌ها را به مکاتب و مدارس فرستاد. این فعال فرهنگی همچنین برای ترجمه قرآن به زبان ترکی آذربایجانی و چاپ کتاب ملک منان از آقا میرمحمد کریم از علمای باکو در حدود 20 هزار منات کمک کرد. او به روزنامه‌های داخلی نظیر تربیت،

مظفری و نشریه اختر، که خارج کشور منتشر می‌شد هم کمک‌های فراوانی کرد.⁴⁷ چنان‌که بر اثر کمک او به روزنامه تربیت، یک صفحه بر تعداد صفحات این نشریه اضافه شد درحالی‌که قیمت آن تغییری نکرد. فروغی در این خصوص می‌نویسد:

«تقریباً از دو سال قبل تا کنون مکرر گفته‌ام که بعد از انتشار روزنامه تربیت در اقطار جهان و ملاحظه اوراق بی سامان، حاجی زین‌العابدین تقی‌اف، که طبعاً در طالب کار خیر است و به هر جا و هر چیز نظر دارد، نگارش و مسطورات بنده اقل را به حال عموم مردم ممالک اسلامی، خاصه ایران، سودمند دانسته، بر آن شد که کمکی به اداره تربیت نماید و یک ورق بر این جریده بیفزاید و این حاجتی بود که من از خدا به دعا می‌طلبیدم ... شگفت آنکه این کار از آن طرف اظهار شد و به یک نوشته و چند سطر مختصر صورت گرفت بی طول و تفصیل و جرّ ثقیل و از اول سال ششم، تربیت مضاعف شد بدون تضعیف قیمت و سنگین شدن بار مشتریان و اشکال کار خریداران. بنابراین اوراق ما، رونق و جلوه ای تازه یافت. یعنی از یک طرف قلت بها، بر صفای آن افزود و از طرف دیگر کثرت صفحات دست و پای بسته مرا باز کرد.»⁴⁸

تقی‌اف و مدارس ایران

حاجی تقی‌اف، نخست به مدرسه رشديه دو هزار تومان پول داد. قرار شد تا سود این پول صرف مدرسه شود. پانصد منات به مدرسه سادات کمک کرد. اما این تنها کمک‌های نقدی وی نبود. وی به مدارس دیگری نیز کمک کرد. با توجه به کثرت این گونه حمایت‌ها از بیان آن‌ها صرف نظر کرده و به کمک‌های غیر نقدی اشاره می‌کنیم. نخست کمک‌های غیر نقدی تقی‌اف به مدرسه رشديه بود. در کنار دوهزار تومان اشاره شده، وی مقداری لوازم برای مدرسه تهیه کرد. روزنامه تربیت در مورد این کار چنین نوشته است: «در کنار این دو هزار تومان، مدیر رشديه، لوازم اداره مدرسه را نیز درخواست کرده بود که تقی‌اف دو برابر آن را ارسال داشته بود.»⁴⁹

هفت سال پس از این تاریخ، تقی‌اف بار دیگر به مدرسه رشديه کمک غیرنقدی کرد. این بار او شصت بند کاغذ تهیه کرد و برای شاگردان مدرسه رشديه فرستاد.⁵⁰ روزنامه تربیت تنها نشریه‌ای است که به این مطلب اشاره کرده است. او در ابتدا چنین نوشت که این ده صندوق

47. برای اطلاع بیشتر نک: همان، ش 332-342، 1322 هـ.ق.

48. همان، س 7، ش 342، سلخ رمضان 1322 هـ.ق.

49. همان، س 2، ش 104، 23 ذی‌الحجه 1315 هـ.ق.

50. همان، س 7، ش 341، 23 رمضان 1322 هـ.ق.

کاغذ معادل شصت بند، برای چاپ تألیفات میرزا حسن رشديه فرستاده شده است. درج این خبر، واکنش مسئولین مدرسه رشديه را در پی داشت. چرا که در این زمان، مدیریت آن تغییر یافته بود. بنابراین رییس مدرسه حسن الحسینی کاشانی⁵¹ با نگارش مکتوبی یادآور شد که این کاغذها نه برای مدیر و نه برای شخص دیگری است بلکه به جهت استفاده کودکان فقیر و یتیم مدرسه رشديه ارسال شده است.⁵² بخش دیگری از اعانه‌های غیر نقدی بادکوبه‌ای، شامل خرید کتاب و توزیع آن میان مدارس دارالخلافة و سایر نقاط بود. روزنامه معارف از اهدای چهل جلد کتاب توسط تقی‌اف به مدارس مظفری خبر می‌دهد. بر اساس این خبر، بادکوبه‌ای یک صندوق کتاب به اداره معارف ارسال کرده بود که شامل 833 جلد کتاب موسوم به کلید ادبیات، جزء اول مجموعه حکایات نثریه و نظمیه برای دبستانی‌ها می‌شد. این کتاب به زبان فارسی و توسط ناظر مکتب‌خانه روسی و مسلمان شهر بادکوبه، سلطان مجید غنی‌زاده و معلم زبان ترکی علی‌اسکندر جعفرزاده نوشته شده بود. کتاب‌ها در 21 بسته مشخص شده به مدارس ولایات ارسال شد. خرج راه نیز توسط تقی‌اف پرداخت شده بود. ترتیب توزیع نیز چنین بود که مدرسه ابتدائیه 40 جلد، ادب 40 جلد، اسلام 40 جلد، افتتاحیه 40 جلد، دبستان دانش 38 جلد، تربیت 40 جلد، خرد 40 جلد، خیریه 39 جلد، دانش 39 جلد، رشديه 40 جلد، سادات 38 جلد، سیاسی 40 جلد، شرف 40 جلد، علمیه 40 جلد، کمالیه 40 جلد، قدسیه 40 جلد و مظفریه 40 جلد. در سایر ولایات نیز ترتیب تقسیم به این صورت بود: تبریز مدرسه لقمانیه 40 جلد، بوشهر دبستان سعادت 40 جلد، رشت مدرسه وطن 40 جلد و خراسان مدرسه سعادت 39 جلد که قرار شد به ترتیب برای مدارس ارسال شود.⁵³

2. ارفع الدوله

میرزا رضا خان ارفع‌الدوله فرزند حاجی شیخ حسن مهاجر ایرانی و از نوادگان میرزا ابراهیم وزیر ایروان در سال 1270 هـ.ق در محله اندرون شتران تبریز به دنیا آمد. او از شش سالگی برای تحصیل به مکتب‌خانه رفت و پس از پایان این دوره برای ادامه تحصیل نزد حاجی ملا عبد

51. او برادر مؤید الاسلام، مدیر روزنامه حیل المتین کلکته است که پس از پیروزی انقلاب مشروطه، روزنامه‌ای به همین نام در تهران منتشر کرد. این روزنامه عمر چندانی نیافت و بر اثر توهین به روحانیت با انتشار مقاله اذا فسد العالم فسد العالم توقیف شد.

52. همان، س 7، ش 34، 14 شوال 1322 هـ.ق.

53. معارف، س 3، ش 72، 24 شوال 1318 هـ.ق.

العظیم رفت و به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم رجال پرداخت.⁵⁴ به ظاهر پس از طی تحصیلات مقدماتی راهی نجف شد و به تحصیل علوم دینی مبادت ورزید، لیکن پس از مدتی به وطن بازگشت. بازگشت او به دلیل مشکلات مالی خانواده بود.⁵⁵ وی بر اثر همین فشار مالی سال 1290 تبریز را به مقصد استانبول ترک کرد. دو سال در این شهر اقامت داشت و در این مدت زبان فرانسه و انگلیسی را در مدرسه یونانیان آموخت. پس از آن بار دیگر راه تبریز را در پیش گرفت. در میانه راه به پیشنهاد یکی از بستگانش در تفلیس ماندگار شد و در مدرسه‌ای که دولت روس برای مسلمانان تأسیس کرده بود به فراگیری زبان، تاریخ و جغرافیای روس مشغول شد. در همین ایام با میرزا فتحعلی آخوندزاده آشنا شد و در جلسات شبانه منزل او شرکت کرد. وی در این شب‌نشینی‌ها با اندیشه باستان‌گرایی و تغییر خط که در آن زمان از سوی آخوندزاده مطرح شده بود آشنا شد و تحت تأثیر قرار گرفت. در همین زمان رساله الفبای رشديه را نگاشت که مورد استقبال قرار گرفت.⁵⁶ این تحصیلات دو سال به طول انجامید. وی در این مدت با ایرانیان بسیاری آمد و رفت داشت. از جمله با علاءالملک که کارپرداز اول قنصل‌گری ایران بود. این آشنایی موجب ورود او به دنیای سیاست شد. چنان‌که در سفر دوم ناصرالدین شاه در سال 1295هـ.ق به فرنگستان، او هم جزو ملتزمین رکاب بود و بعد از این سفر قونسل ژنرال تفلیس گردید.⁵⁷ در هنگامی که ژنرال کنسول تفلیس بود، امینه اقدس، یکی از سرخانم‌های حرم ناصر الدین شاه برای معالجه چشم نزد دکتر فوکس کحال معروف اطریشی به وین می‌رفت، معین الوزاره ژنرال کنسول موقع شناس، از بادکوبه تا آخر خاک قفقاز همه‌جا مواظب خدمت و در مراجعت هم از اول خاک قفقاز تا بادکوبه ملتزم رکاب این سرخانم بود. بوسیله این طرفدار با نفوذ که روزگار برای او تهیه کرد و بواسطه تحف و هدایای خود برای امین‌السلطان و بالاختصاص سابقه نردبانی ژنرال کنسول تفلیس برای مقام سفارت، وقتی علاءالملک از سفارت

54. ایران دیروز، خاطرات پرنس ارفع (تهران: وزارت فرهنگ و هنر، 1345)، ص 14.

55. نک: احمد سمیعی، و دیگران، فرهنگ آثار ایرانی اسلامی (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، ج 1

(تهران: سروش، 1381)، ص 191.

56. ایران دیروز، ص 46.

57. ابوالحسن علوی رضوی، رجال عصر مشروطیت (تهران: اساطیر، 1385)، ص 21.

پطرزبورغ به سفارت کبرای اسلامبول رفت، معین‌الوزاره با لقب ارفع‌الدوله بسفارت پطرزبورغ رسید.⁵⁸

بعد از دو سال مأموریت، نمایندگی دولت ایران در ممالک اسکاندیناوی هم علاوه بر شغل اوگشت. در 1899م، به‌عنوان نماینده اول ایران، در کنفرانس اول صلح لاهه شرکت می‌کند. در این زمان، مثنوی صلح لاهه را می‌سراید که مورد توجه سران دولت‌ها قرار می‌گیرد. وی پس از اجرای چند مأموریت در دربارهای روسیه و سوئد و نروژ، سفیر کبیر ایران در اسلامبول می‌شود. وی در استقراض ایران از روسیه تزاری در دوره مظفرالدین شاه نقشی مؤثر داشته، و در سفر این پادشاه به اروپا (1317 هـ.ق) در رکاب او بوده است. انتشار مثنوی صلح لاهه به پانزده زبان، نشان‌ها و تقدیرنامه‌های زیادی از سوی رؤسای کشورهای متعدد برای میرزا رضا به ارمغان می‌آورد و انجمن صلح پاریس او را به لقب «پرنس» مباحی ساخت.⁵⁹ پرنس ارفع سال 1331 هـ.ق به تهران بازگشت و وزیر عدلیه شد. با آغاز جنگ اول بین‌الملل، راهی موناکو شد و سال‌ها در آنجا اقامت گزید. در سال 1338 هـ.ق به نمایندگی ایران در جامعه ملل تعیین شد و به دریافت نشان‌های زیادی نایل آمد و سرانجام در سال 1315 شمسی جهان را بدرود گفت.⁶⁰ پیرامون ارفع‌الدوله و حیات او نظرات متفاوتی وجود دارد، اما به گفته عین‌السلطنه نه آن تکذیب‌ها از روی حقیقت است و نه آن تعریف.⁶¹

کارنامه فرهنگی ارفع‌الدوله

از ابتدای تأسیس مدارس نوین، ارفع‌الدوله از حامیان آن به شمار می‌آمد. چنان‌که گفته شد وی پایه‌گذار جمع‌آوری اعانه، جهت مدارس در خارج کشور بود. این اقدام او به زمانی باز می‌گردد که ارفع‌الدوله در سفارت سن‌پترزبورگ حضور داشت. وی ضمن نگارش مکتوبی به انجمن معارف، همراهی خود را با این نهضت اعلام کرد و دفتر جمع‌آوری اعانه را باز کرد و اختیار آن را به میرزا حسن خان مشیرالملک واگذار کرد.⁶² او حتی با نگاشتن نامه‌هایی به مأمورین و تبعه دولت و

58. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، ج 2 (تهران: زوار، 1384)، ص 108.

59. فرهنگ آثار ایرانی اسلامی، ص 191؛ همچنین نک: عزیز دولت آبادی، سخنوران آذربایجان، ج 1، (تبریز: ستوده، 1377)، ص 351.

60. محمد باقر برقی، سخنوران نامی معاصر ایران، ج 2 (قم: خرم، 1373)، ص 108.

61. قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج 5 (تهران: اساطیر، 1374)، ص 3957.

62. معارف، س 1، ش 5، 25 رمضان 1316 هـ.ق.

ایرانیان ساکن در خاک روسیه به سه زبان فارسی، فرانسه و روسی آن‌ها را دعوت به امداد و اعانت انجمن معارف نمود. به این ترتیب ایرانیان ساکن دیگر کشورها به صرافت اعانه دادن و حمایت از مدارس نوین افتادند. به مرور، اعانات بسیاری جمع‌آوری شد که در نهایت به بیش از یک‌صد و چهار هزار منات رسید که در دو بانک دولتی روس و بانک پتربورگسکی آروفسکی گذاشته شد. به این ترتیب که چهار هزار و یک‌صد و شش منات و پنجاه و پنج کاپک در قالب چهل طغرا اسناد دولتی به قرار صدی چهار و نیم در بانک دولتی و مابقی وجه به مبلغ بیست و سه منات و شش کاپک در بانک دیگر سرمایه‌گذاری شد. در جمع‌آوری این مبلغ افراد بسیاری همراهی کردند که در جدول زیر نام بخشی از آن‌ها آمده است.

ردیف	نام اعانه دهنده	میزان اعانه	توضیحات
1	ارفع‌الدوله وزیر مختار	200 منات	
2	ممتازالسلطنه مستشار سفارت	50 م	
3	میرزا حسن خان نایب دوم	25 م	
4	حسن‌السلطنه نایب دوم	20 م	
5	میرزا علی اکبر خان نایب سوم	15 م	
6	جعفر خان معلم فارسی دارالفنون مسکو	100 م	
7	جنرال قونسول ورشو	100 م	
8	ویس قنسول راستوف	100 م	
9	برادران اودف ساکنین راستوف	50 م	
10	عبدالحسین تاجر اصفهانی ساکن مسکو	28 م	
11	برادران اتانوف ساکنین راستوف	25 م	
12	جنرال قونسول ایران در استکهلم	18 م و 26 کاپک	
13	جنرال قونسول ایران در نروژ	17 م و 70 کاپک	
14	محمد باقر تاجر اصفهانی ساکن مسکو	17 م	
15	حاجی جبار تاجر تبریزی مقیم پترزبورگ	10 م	
16	برادران امیروف ساکنین راستوف	10 م	
17	قرابت آقا خانوف	10 م	
18	مراد لازاروف	10 م	
19	واسیلی بایوف	10 م	

	3م	کازاروف	20
	3م	ارماقانوف	21
	3م	مؤسس گولی یانس	22
	3م	زابتوف و شخصی مجهول روی هم	23
	370م	جنرال قنسول ایران در سن پترزبورغ	24
	100م	میرزا مراد بیک	25
	25م	عبدالله تاجر کرد ساوجبلاغی ساکن مسکو	26
	25م	میرزا کریم مدیر ویس قنسولگری باطوم	27
	10م	ابوطالب تاجر خراسانی در مسکو	28
	10م	میرزا حسین تاجر سبزواری مقیم مسکو	29
	10م	میرزا عبدالله تاجر تبریزی مقیم مسکو	30
	100م	از تجار و تبعه ایران متوقف در مسکو به توسط میرزا جعفرخان	31
این مبلغ از بیش از 20 نفر جمع شده است.	63م	به توسط عبدالله بیک زنجانی مامور مقیم لابی اسکی	32
	370م	جنرال قنسول ایران در مسکو	33
	200م	قونسول دولت علییه در ورشو	34
	100م	جنرال قنسول ایران در کیف	35
	100م	جنرال قونسول ایران در خارکوف	36
	50م	معاون التجار تاجر باشی ایران در تفلیس	37
	50م	مسیو ساموئیل پالیاکوف و برادرش	38
	18م	جنرال قونسول ایران در قوطی بورغ	39
	100م	عبدالحسین خان مدیرالملک جنرال قونسول سابق ایران در تفلیس	40
	20م	آقا میرزا یحیی تاجر تبریزی ساکن تفلیس	41
	100م	میرزا حسین خان ویس قونسول	42
این مبلغ از بیش از 60	510م و 50کاپک	یحیی خان ویس قونسول ولاد قفقاز و داغستان	43

نفر جمع آوری شده است.			
	10م	میرزا رفیع خان مترجم ویس قونسول‌گری	44
	15م	محمد قاسم تاجر صدقیانی	45
	5م	محمد صادق ولد آقا محمد قاسم	46
	3م	کربلایی حسن علی تاجر صدقیانی	47
	3م	مشهدی عبدالرزاق تبریزی ریش سفید ساکن ماتوفان	48
	1م	مشهدی عظیم بزاز تبریزی ساکن قارص	49
	50م	میرزا عبدالله خان مامور سالیان داده	50
این مبلغ از بیش از 20 نفر جمع آوری شده است.	380م و 50کاپک	به توسط میرزا کاظم خان ممتحن السلطنه جنرال قونسول حاجی ترخان	51
بیش از 10 نفر در جمع آوری آن سهام داشتند.	120م	به توسط میرزا علی اصغر خان بقاء السلطنه قنسول بادکوبه	52
	100م	میرزا حسن خان ارفع السلطنه پسر ارفع الدوله	53
	50م	فخیم‌الملک ویس قونسول گنجه	54
	100م	محمدحسین خان ابراهیم بیگوف	55

جدول شماره 3: اسامی برخی اعانه دهندگان خارج از ایران به مدارس ملی

نگاهی به این اسامی نشان دهندهٔ شرکت طبقات مختلف از اتباع ایرانی خاک روسیه در حمایت از مدارس نوین است. چنان‌که در میان این افراد بخشی تجار و بخشی هم مردم عادی بودند. همچنین وجود اسامی جنرال قونسول استکهلم، ورشو و نروژ به گسترهٔ فعالیت‌های پرنس ارفع در راستای جمع‌آوری اعانه اشاره دارد. هر چند، این اعانات در مأموریت‌های سیاسی وی

گردآوری شده است.⁶³ از دیگر سو، حضور رجال سیاسی و اعانات آن‌ها برای مدارس، نشان دهنده اهمیت تأسیس آن‌ها در میان این بخش از ایرانیان است. به نظر می‌رسد آن‌ها تأسیس مدارس را، راه‌حلی برای جبران عقب‌ماندگی‌های ایران می‌دانستند.

در توضیح باید افزود اگر چه قرار بود این اعانات به مصرف همه مدارس ملی برسد، اما با تأسیس دبستان دانش، اوضاع متفاوت شد. چنان‌که ارفع‌الدوله با نگارش مکتوبی به انجمن درخواست کرد که حاصل وجه مزبور برای افتتاح یک باب مدرسه مجانی مورد استفاده قرارگیرد. وی پس از اطلاع از تشکیل چنین مکتبی در مدرسه افتتاحیه درخواست کرد تا حاصل وجوهات با اطلاع انجمن معارف، به مدرسه مزبور اختصاص یابد. هر چند خود نیز متعهد شد سالانه مبلغ یک‌صد تومان برای مدرسه ارسال کند.⁶⁴ به این ترتیب با راه‌اندازی دبستان دانش اعانات جمع آوری شده صرف آن شد و از این زمان به بعد اگر پولی هم ارسال می‌شد، به اسم این دبستان بود.

بخشی از کمک‌های ارسالی به دبستان دانش هم غیرنقدی بود. این قبیل کمک‌ها بیشتر از سوی ارفع‌الدوله بود. وی دبستان دانش را مدرسه صنعت می‌دانست.⁶⁵ به همین جهت، گاه برای آموزش شاگردان آنجا ماشین آلای به ایران می‌فرستاد. از جمله، سال 1318 هـ.ق اعانه مقرر یک ساله دانش را که 100 تومان بود، دو دستگاه چرخ خیاطی و ماشین جوراب بافی خرید و به ایران فرستاد.⁶⁶ حاصل این کار، افتتاح یک گارگاه خیاطی متعلق به دبستان دانش بود. وی همچنین در همین زمان و هنگامی که همراه شاه ایران به مسافرت فرنگ رفته بود، تلگرافی به دفتر روزنامه فرستاد که نشان از خرید لوازم صنعتی برای دوازده شاگرد دانش داشت. متن این تلگراف که عیناً در روزنامه معارف به چاپ رسید چنین بود: «به جناب مفتاح‌الملک:» وارد پترزبورگ شدم از دیدن مرقومات جناب‌عالی مسرت حاصل گردیدم. در استکهلم بعضی آلات

63. به نظر می‌رسد مبلغ جمع آوری شده از استکهلم به مأموریتی باز می‌گردد که ارفع‌الدوله برای رفع دعوای مطرح شده از جانب تجار ایتالیایی در بازخواست مال التجاره شان داشته است.

64. معارف، س 2، ش 37، اول ذی‌الحجه 1317 هـ.ق.

65. همان، س 2، ش 48، 20 ربیع الاول 1318 هـ.ق.

66. همان، س 2، ش 43، 10 صفر 1318 هـ.ق.

صنعت تجاری برای دوازده نفر از شاگردان دبستان دانش ابتیاع نموده به زودی خواهیم فرستاد. رضا 12 رمضان⁶⁷

بنابراین می‌توان گفت پرنس ارفع، در هر مأموریت خود می‌کوشید تا به نحوی اوضاع مدرسه دانش را ارتقاء دهد. در واپسین شماره روزنامه معارف خبری درج شده که نشان می‌دهد او بر چهار هزار منات اعانه سابق افزوده که 12 منات و 7 کاپک آن را یک خانم روزنامه‌نگار سوئیسی پرداخته بود. پرنس ارفع با استفاده از مبالغ اضافه شده بر قبل 10 طغرا سهام بانک دولتی روس را خرید و سند آن را به انجمن فرستاد.⁶⁸ باید افزود، کمک‌های ارفع تنها به دانش اختصاص نداشت او به مدارس سایر ایالات و ولایات هم کمک مالی می‌کرد.⁶⁹

مشارکت‌های مردمی در مدارس نوین

یکی از تحولاتی که در دوره مظفرالدین شاه، در امر آموزش به وقوع پیوست مشارکت مردم در گسترش مدارس جدید بود. اگرچه نخستین مدرسه نوین، توسط دولت پایه‌گذاری شد اما این مردم بودند که با کمک‌های خود به ادامه حیات این جنبش اجتماعی کمک کردند. مشارکت‌های مردم گاه به شکل ساخت یک مدرسه درمی‌آمد مانند «ملتی زنجان» که مردم عادی آن را ساختند و تحصیل در آن رایگان بود.⁷⁰ اما حضور مردم در نهضت مدارس نوین به پشتیبانی‌های مالی و غیر آن ختم می‌شد. باید یادآور شد زنان اگر چه نمی‌توانستند مستقیماً در امر آموزش وارد شوند و مدرسه ایجاد نمایند، اما سعی داشتند تا با کمک‌های مالی خود، سهمی در این تعبیر اجتماعی داشته باشند. کمک آن‌ها هرچند از نظر کمی چندان نبود اما مبالغی که از سوی زنان به مدارس اختصاص می‌یافت بسیار زیاد بود و به بخشش‌های شاهانه پهلوی می‌زد و گاه از آن هم بیشتر بود، چنان‌که حتی در مطبوعات هم بازتاب می‌یافت. همچون کمک نسا خانم ابراهیم بیگوف زوجه مرحوم میرزا محمدعلی خان به مبلغ ده هزار منات که در پاسخ به تقاضای ارفع الدوله صورت گرفت. شرح آن را پرنس ارفع در مراسله‌ای به روزنامه معارف چنین نوشته است:

«چندی قبل در خصوص تقویت انجمن معارف و پیش رفت مقصود خودم از سرکار خانم نسا خانم، عیال مرحوم میرزا محمدعلی خان سرتیپ ایرانی کاشانی الاصل ساکن ولاد قفقاز

67. همان، س 3، ش 67، 15 رمضان 1318 هـ.ق.

68. همان، س 3، ش 72.

69. نک: کمال، س 1، ش 10، 11 صفر 1318 هـ.ق.

70. نک: تربیت، س 8، ش 380، 28 رجب 1323 هـ.ق.

استعانت که از زنان مردانه همت و متمولین آن بلاد است، استعانت جسته بودم. سواد مراسله جوابیه که به مخلص نوشته شده لفاً ارسال می‌شود» و در ادامه، پاسخ نسا خانم به این درخواست آمده که مهم‌ترین بخش آن مربوط به اجابت درخواست است «از آنجا که به جهت ابنای وطن، خدمتی از این بالاتر نیست بنده هم قصد کرده‌ام مبلغ ده هزار منات به نام انجمن معارف به بانک بگذارم که هر ساله تنزیل او را به هریک از مدارس حواله کنم برسانند.»⁷¹ وی در ادامه متذکر می‌شود که قرار است بهار آینده به مشهد الرضا مشرف شود و سفرش از راه تهران خواهد بود و در آنجا به دیدار مدارس می‌رود تا به هر یک هر چه لازم بداند کمک مالی کند و تلاش خواهد کرد تا از راه‌های گوناگون مبلغ مزبور را بیشتر نماید.⁷² اگر چه از سفر او و بازدید از مدارس، اطلاعاتی در دست نیست اما خبر روزنامه تربیت در دو سال بعد، نشان از صدق گفتار نسا خانم دارد. سال 1319 هجری روزنامه تربیت در شماره 248 خود با عنوان "زن مردانه همت" خبری را منتشر کرد که گویای ارسال [0] 1000 منات معادل 560 تومان از سوی نسا خانم به دربار با هدف کمک به مکاتب و مدارس بود. تربیت در وصف اقدام این زن، شعری نیز نگاشته که بدین شرح است:

«هزار آفرین بر زنی این چنین / چو مردان روشن روان به گزین

خردمند و دانا و دانش پسند / به غیرت ستوده به همت بلند

فزاینده جاه بخشندگان / سر سرفرازان و رخشندگان»⁷³

به هر روی، این به معنای جمع‌آوری سرمایه‌های بیشتر از میزانی است که ارفع‌الدوله در طی مأموریت‌های خود توانسته بود جمع‌آوری کند. از دیگر سو، بیشتر از بخشش‌های مظفیری به مدارس بود که مبلغ آن بیشتر از هزار تا سه هزار تومان نمی‌شد. باید دانست مشارکت‌های مردمی تنها به چنین نمونه‌هایی خلاصه نمی‌شود و با مطالعه منابع بیشتر، می‌توان نمونه‌های بسیاری از چنین حمایت‌هایی را یافت.

آنچه تا کنون بیان شد تنها دو وجه - مالی و جنسی - از وجوه کمک‌رسانی به نهضت مدارس نوین بود. پایان بخش این بحث وجه دیگری از انواع روش‌های حمایتی از مدارس جدید است. این وجه، عمل وقف است که سابقه‌های دیرینه در ایران دارد. با بررسی منابع مورد استفاده

71. معارف، س 2، ش 26، 15 شعبان 1317 هجری.

72. همان.

73. تربیت، س 5، ش 248، 5 شوال 1319 هجری.

در پژوهش حاضر مشخص شد که مدارس نوین هم دارای موقوفاتی هستند که از سوی واقف به امر آموزش اختصاص پیدا کرده‌اند.

موقوفات مدارس نوین

بیشتر وقف‌کنندگان را بنیان تشکیل می‌دادند. آن‌ها به ضرورت ادامه حیات مدارس پس از خود پی برده بودند بنابراین با وقف املاکی سعی می‌کردند تا ادامه روند رو به رشد مدرسه‌ها را تضمین کنند. مدرسه خیریه یکی از مدارسی بود که موقوفاتی داشت. سردار مکرّم نه تنها بانی اصلی و بنیان‌گذار آن بود، بلکه موقوفاتی هم برای مدرسه مزبور معین کرد. او سال 1318 هـ.ق بالغ بر یک‌صد هزار تومان از املاک خود را وقف خیریه کرد.⁷⁴ وی علاوه بر این مبلغ، در همین سال، ساخت یخچالی نیز در حسن آباد واقع در شمال دارالخلافه را شروع کرد که یک سال به طول انجامید و پس از خاتمه آن را به جمع موقوفات مدرسه خیریه اضافه کرد. این یخچال سالی سی خروار یخ می‌داد. که به ترتیب ده خروار به مدرسه، ده خروار به مریض‌خانه ایتام و ده خروار باقی مانده هم به مجلس تعزیه ماه محرم اختصاص می‌یافت. وقف‌نامه مربوط به این موقوفات را سردار مکرّم، بر سنگی یکپارچه به طول یک ذرع و نیم و عرض سه چارک حجاری کرده بود.⁷⁵ متأسفانه از این وقف‌نامه که مهور به امضا و مهر علمای دارالخلافه نیز بود⁷⁶، اطلاعی در دست نیست. از دیگر مدارسی که موقوفه داشت مدرسه سادات بود. واقف حاجی سیف‌الدوله وزیر تجارت است. او در سال 1324 هـ.ق هنگامی که مدرسه سادات در هفتمین سال حیات خود به سر می‌برد، یک باب حیاط خود را وقف مدرسه کرد. دولت‌آبادی روز 29 شعبان همان سال جشنی را در حیاط جدید برگزار کرد که حاصل آن هم موقوفه‌ای دیگر برای این مدرسه بود. این بار جلیل‌الدوله امیر تومان یک باب کتابخانه شخصی خود را به متعلمین سادات بخشید.⁷⁷ همچنین می‌توان به مدرسه دانش هم اشاره کرد که مطابق خبری در روزنامه کمال دارای موقوفه خاص خود بود.⁷⁸ به این ترتیب وقف هم، نوعی دیگر از حمایت‌هایی بود که در

74. کمال، س 1، ش 9، 21 محرم 1318 هـ.ق.

75. تربیت، س 5، ش 254، اول محرم 1320 هـ.ق.

76. همان.

77. شاهنشاهی، س 1، ش 37، 11 رمضان 1324 هـ.ق.

78. کمال، س 2، ش 9، 1319 هـ.ق.

دوره مورد بحث این پژوهش، یعنی سال‌های 1314 تا 1324 هجری کارکردی جهت پشتیبانی از مدارس جدید داشت.

نتیجه‌گیری

در مجموع مباحث مطرح شده، نشان می‌دهد که نقش حامیان در ادامه حیات نهضت مدارس نوین از اهمیت بالایی برخوردار است. به منظور شناخت هرچه بهتر چگونگی تدوam حرکت این مدارس، توجه به حمایت‌کنندگان آن‌هم ضرورت دارد. چه اگر این حامیان نبودند حرکتی که در قالب یک جنبش اجتماعی شروع شده بود، به سر منزل مقصود نمی‌رسید. چنان‌که در ابتدای مباحث بیان شد، برخلاف سایر حرکت‌های نوسازی اجتماعی که در دوره قاجار به وقوع پیوسته بود، جنبش اجتماعی مدارس نوین، خاص یک طبقه یا قشر مشخصی نبود، بلکه همه اجزای جامعه اعم از زن و مرد سعی داشتند تا به نحوی در آن سهم داشته باشند. به نظر می‌رسد زنان در این میان کمترین میزان حضور را داشتند اما این حداقل حضور آن‌ها، به مشارکت اکثریتی مردان غلبه داشت. چنان‌که ارفع‌الدوله از حامیان مهم مدارس، از تمام مأموریت‌های خود، تنها توانست کمی بیش از چهار هزار منات اعانه جمع‌آوری کند، اما یک زن به تنهایی، ده هزار منات به مدارس بخشید. از سویی این قلت حضور را باید با شرایط روز جامعه هم سنجید. اگر چه اندک نشانه‌هایی از مدارس بانوان در این زمان وجود دارد، ولی با توجه به عدم قطعیت، مشخص می‌شود که زنان در دوره مورد بحث و تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه، حق شرکت در آموزش نوین را نداشتند. اما با کمک‌های خود، سهمی به سزا در ایجاد مدارس نوین و ادامه کار آن‌ها برای خود به وجود آوردند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، که در این دوره ما با یک پدیده جدید به عنوان مشارکت مردمی در امر آموزش مواجه هستیم. مردم نه تنها خود مدرسه می‌ساختند بلکه در تدوام کار مدارس نوین هم شرکت می‌کردند و با پرداخت اعاناتی هر چند اندک، زمینه ادامه فعالیت مدارس نوین را فراهم می‌کردند. در کنار این مسائل، ایجاد موقوفات آموزشی برای مدارس جدید هم موضوعی است که در این دوره به منصفه ظهور رسیده است. موقوفاتی اندک که در منابع اشاراتی به آن‌ها شده است. اهمیت این موقوفات در آن است که تضمین‌کننده استمرار فعالیت مدارس بود. به این ترتیب همه این موضوعات، نشان دهنده یک عزم ملی برای ایجاد تغییر در ساختار آموزشی ایران است. تغییری که می‌توان آن را از زمینه‌های انقلاب مشروطه محسوب کرد.

منابع و ماخذ

کتابها

- ایران دیروز، **خاطرات پرنس ارفع**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، 1345.
- برقی، محمد باقر. **سخنوران نامی معاصر ایران**. ج 2. قم: خرم، 1373.
- دولت آبادی، عزیز. **سخنوران آذربایجان**. ج 1. تبریز: ستوده، 1377.
- رینگر، ام. مونیکا. **آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار**. تهران: ققنوس، 1381.
- سالور، قهرمان میرزا. **روزنامه خاطرات عین السلطنه**. به حقق ایرج افشار و مسعود سالور، ج 5. تهران: اساطیر، 1374.
- سمیع آذر، علیرضا. **تاریخ تحولات مدارس در ایران**. تهران: سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، دفتر تحقیقات و پژوهش، 1376.
- سمیعی، احمد و دیگران. **فرهنگ آثار ایرانی اسلامی (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)**. ج 1. تهران: سروش، 1381.
- شریف کاشانی، محمد مهدی. **واقعات اتفاقیه در روزگار**. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران، 1362.
- علوی رضوی، ابوالحسن. **رجال عصر مشروطیت**. بازخوانی ایرج افشار. به کوشش حبیب یغمایی. تهران: اساطیر، 1385.
- علیزاده، ذبیح الله. **خلاصه کتاب شرح رجال ایران**. تهران: زوار، 1384.
- مستوفی، عبدالله. **شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)**. ج 2. تهران: زوار، 1384.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (میرزا). **تاریخ بیداری ایرانیان**. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: نشر آگاه، 1356.
- هدایت، مهدیقلی. **خاطرات و خطرات**. تهران: زوار، 1375.

نشریات

نشریه ایران دارالخلافة باهره. س 58. ش 16. 28 شعبان 1323 هـ.ق.

_____، ش 22. 28 شعبان 1323 هـ.ق.

نشریه تربیت. س 1، ش 39. 11 ربیع الثانی 1315.

_____، س 2، ش 104. 23 ذی الحجه 1315 هـ.ق.

_____ . س 4، ش 222، 10 شوال 1322 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 226، رجب 1318 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 224، 21 ذی الحجه 1318 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 227، 4 صفر 1319 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 248، 5 شوال 1319 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 254، اول محرم 1320 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 269، 7 جمادى الثانى 1320 هـ.ق.

_____ . س 5، ش 271، 6 رجب 1320 ق.

_____ . س 6، ش 277، 2 صفر 1321 ق.

_____ . س 6، ش 289، 17 جمادى الثانى 1321 هـ.ق.

_____ . س 7، ش 336، 7 شعبان 1322 هـ.ق.

_____ . س 7، ش 341، 23 رمضان 1322 هـ.ق.

_____ . س 7، ش 342، سلخ رمضان 1322 هـ.ق.

_____ . س 7، ش 344، 14 شوال 1322 هـ.ق.

_____ . س 8، ش 380، 28 رجب 1323 هـ.ق.

_____ . س 8، ش 388، 3 شوال 1323 هـ.ق.

نشریه حدید . س 2، ش 8، 21 جمادى الاخر 1324 هـ.ق.

نشریه خلاصه الحوادث ش 10، 26 جمادى الثانى 1316 هـ.ق.

_____ . ش 20، 15 رجب 1316 هـ.ق.

نشریه شاهنشاهی . س 1، ش 37، 11 رمضان 1324 هـ.ق.

نشریه کمال . س 1، ش 5، ذی القعدة 1318 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 9، 21 محرم 1318 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 10، 11 صفر 1318 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 12، غره ربیع الاول 1318 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 22، 20 رجب سال 1318 هـ.ق.

_____ . س 2، ش 9، 1319 هـ.ق.

نشریه معارف . س 1، ش 2، 15 شعبان 1316 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 5، 25 رمضان 1316 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 7، اول ذی القعدة 1316 هـ.ق.

_____ . س 1، ش 9، اول ذی الحجه 1316 هـ.ق.

- س 1، ش 10، 15 ذی الحجه 1316 هـ.ق.
- س 1، ش 11، غره محرم الحرام 1317 هـ.ق.
- س 1، ش 14، 15 صفر 1317 هـ.ق.
- س 1، ش 17، غره ربیع الثانی 1317 هـ.ق.
- س 1، ش 22، 15 جمادی الثانی 1317 هـ.ق.
- س 2، ش 26، 15 شعبان 1317 هـ.ق.
- س 2، ش 27، 20 شعبان 1317 هـ.ق.
- س 2، ش 34، غره ذی القعدة 1317 هـ.ق.
- س 2، ش 37، اول ذی الحجه 1317 هـ.ق.
- س 2، ش 43، 10 صفر 1318 هـ.ق.
- س 2، ش 48، 20 ربیع الاول 1318 هـ.ق.
- س 3، ش 62، 10 شعبان 1318 هـ.ق.
- س 3، ش 64، غره ذی الحجه الحرام 1318 هـ.ق.
- س 3، ش 67، 15 رمضان 1318 هـ.ق.
- س 3، ش 71، 15 شوال 1318 هـ.ق.
- س 3، ش 72، 24 شوال 1318 هـ.ق.